با سهم‌خواهی رئیس‌جمهور را اذیت نکنید

عطیه همتی
دبیرگروه نقد روز

بعد از برگزاری مراسم تحلیف مسعود پزشکیان و معرفی وی به‌عنوان چهاردهمین رئیس‌جمهور کشور قرار شد تا پایان هفته‌ای که گذشت لیست وزرای کابینه دولت پزشکیان به دست مجلسی‌ها برسد اما جسته و گریخته اسامی برخی چهره‌های سیاسی کشور به‌عنوان وزرای پیشنهادی قطعی دولت جدید در رسانه‌ها منتشر شد. از جمله این چهره‌ها سیدعباس عراقچی، معاون وزارت خارجه دولت تدبیر و امید بود که این بار با عنوان وزیر پیشنهادی دولت برای وزارت خارجه مطرح شد. گفته شده عراقچی به‌عنوان گزینه قطعی این وزارتخانه کار خود برای رایزنی با مجلسی‌ها را نیز آغاز کرده و به بهارستان رفت‌وآمد نیز دارد. مینو خالقی، فعال اصلاح‌طلب نیز روز گذشته در یک مراسم روز خبرنگار شرکت کرد و گفت قرار است یک زن در کابینه پزشکیان حضور داشته باشد.

اما اینکه این خانم سیاستمدار برای چه پستی در نظر گرفته شده و اصلا چه کسی است یا اینکه این موضوع چقدر صحت دارد تاکنون هیچ اظهارنظری از سوی افراد نزدیک به دولت صورت نگرفته است. اما طی تماس‌های مکرر با برخی نمایندگان مجلس حتی فراکسیون مستقلین در این هفته و بی‌خبری آنها از وزرای پیشنهادی نشان داد یا پزشکیان هنوز به قطعیت در بستن کابینه خود نرسیده است یا رایزنی‌های خود را برای گرفتن رای اعتماد با هیات‌رئیسه و شخص رئیس مجلس پی می‌گیرد. با این حال علیرضا سلیمی، سخنگوی هیات‌رئیسه مجلس اعلام کرد قرار است تا پایان هفته لیست اعضای کابینه پیشنهادی دولت چهاردهم به دست مجلس برسد. این در حالی است که محمدجواد ظریف معاون راهبردی رئیس‌جمهور و مسئول مرکز بررسی‌های استراتژیک اعلام کرد که شنبه ۲۰ مرداد قرار است مجلسی‌ها از لیست کابینه باخبر شوند و پایان این هفته هنوز از لیست کابینه خبری نیست.

با این حساب به نظر می‌رسد میان دولت و مجلس بر سر اعلام کابینه اختلاف زمان وجود دارد. اما گزارش‌ها حاکی است که دولتی‌ها برای هر وزارتخانه به دو تا سه اسم رسیده‌اند و این روزها درحال رایزنی و همچنین استعلام از نهادهای امنیتی هستند تا درصورت عدم وجود مشکل امنیتی به مجلس معرفی شوند. پیش از این نیز روال این بود چهار وزارتخانه اطلاعات، دفاع، کشور و خارجه با مشورت و تایید رهبر انقلاب اعلام شود که دولت قبل بیش از این تعداد را انجام داد و حالا به نظر می‌رسد پزشکیان نیز قصد دارد برای چالش کمتر در کسب اعتماد وزیرانش در مجلس دست به چنین اقدامی بزند تا از پیچ تند رای اعتماد گرفتن از مجلس ایمن‌تر عبور کند و شاید هم دلیل اختلاف زمانی با مجلس همین موضوع باشد.

با این حال عباس عبدی، یکی از اعضای شورای راهبری درخصوص معرفی «عباس علی‌آبادی» به‌عنوان وزیر نیرو در توییتی نوشت: «درباره انتخاب وزرا حساسیت زیادی ندارم چون دست پزشکیان خیلی باز نیست پس ایشان باید اعتماد کند.» عباس عبدی نوشت: «از جمله اگر علی‌آبادی برای نیرو معرفی شود به‌واسطه حمایت کامل مشاور عالی رئیس‌جمهور است و مسئولیت وضعیت آینده برق را آقای مشاور پیشاپیش از طریق این حمایت پذیرفته‌اند.»

توییتی که به‌خوبی گویای اختلاف نظرها در دولت است و نشان می‌دهد سهم‌خواهی‌ها همچنان ادامه دارد و شاید یکی از چالش‌های جدی پزشکیان از همان آغاز دولت همین سهم‌خواهی‌ها باشد و بهتر است کسانی که پیش از رای‌گیری پشت پزشکیان ایستادند و به ایشان در پیروزی در انتخابات کمک کردند بعد از انتخابات نیز ایشان را به‌عنوان رئیس‌جمهور و کسی که قرار است حرف آخر را در دولت بزند و تصمیم‌گیر نهایی است همراهی و از ایجاد حواشی‌های زائد و فشار به ایشان از طریق صفحات اجتماعی و بازی‌های رسانه‌ای جلوگیری کنند تا رئیس‌جمهور بتواند به مهم‌ترین وعده انتخاباتی خود که استفاده از جریان‌های مختلف سیاسی است عمل کند. به نظر می‌رسد با وجود این سهم‌خواهی‌های علنی که پای آنها به رسانه‌ها نیز باز می‌شود پزشکیان باید از همین اول کاری قدرت خود را در تصمیم‌گیری نشان داده و جلوی شلوغ‌کاری‌های اطرافیانش را چه در دولت و چه خارج از دولت بگیرد چون همان‌طور که پیداست هنوز دولت جدید تشکیل نشده هرگونه تصمیمی که مذاق اطرافیانش خوش نیاید سر از توییتر و شبکه‌های اجتماعی درمی‌آورد تا رئیس‌جمهور را تحت فشار رسانه‌ای و افکار عمومی قرار دهند.

آیا قرار است در صورت تشکیل دولت جدید هر تصمیمی در دولت یا وزارتخانه با حاشیه‌سازی خود طرفداران انتخاباتی دولت همراه باشد و در رسانه‌های اجتماعی برای تغییر نظر رئیس‌جمهور جنجال‌های رسانه‌ای راه بیفتد؟

علی باقری در فقدان امیرعبداللهیان کمتر از یک وزیر ظاهر نشد

نمره قبولی آقای سرپرست

علی ملکی
خبرنگار گروه نقد روز

با اینکه علی باقری سرپرست وزارت امور خارجه بوده اما تا اینجای کار در مقام یک وزیر ظاهر شده است. او که پس از شهادت حسین امیرعبداللهیان به عنوان سرپرست وزارت امور خارجه منصوب شده بود، نه‌تنها تغییری در بافتار و ساختار وزارتخانه ایجاد نکرد بلکه در این مدت کوتاه اجازه ایجاد توقف به رشته سفرهای منطقه‌ای امیرعبداللهیان را نداد. باقری تاکنون به کشورهای لبنان، سوریه، ترکیه و روسیه سفر کرده و در آخرین سفر خود روز گذشته برای شرکت در نشست سازمان همکاری‌های اسلامی وارد عربستان شد. البته بسیاری از گروه‌های سیاسی مختلف می‌توانند ایرادات و انتقاداتی به وزارت امور خارجه در ماه‌های گذشته وارد کنند اما با این‌حال امروز می‌بینیم بدنه این وزارتخانه که شاید با او اختلاف‌نظراتی داشتند درحال تعامل و کارکردن با او در مسیر تامین منافع ملی ایران هستند.

سفرهای منطقه‌ای متوقف نشد

آخرین روز اردیبهشت‌ماه بود که در فقدان وزیر امور خارجه، علی باقری‌کنی، معاون سیاسی این وزارتخانه سکان هدایت آن را برعهده گرفت. او درست در زمانی این مسئولیت را پذیرفت که کشور در شرایط خاص و بحرانی قرار داشت. از سویی ایران طی حادثه‌ای ناگوار رئیس دولت و یکی از مهم‌ترین وزرای کابینه‌اش از دست داده بود و از سوی دیگر تنش‌های میان رژیم اشغالگر و نوار غزه، بالاگرفته و تشدید شده بود. در همان زمان نگرانی‌هایی از این بابت شکل گرفته بود و حتی برخی شهادت امیرعبداللهیان را افول سیاست خارجی ایران می‌دانستند. با این حال آویگدور لیبرمن، وزیر سابق دفاع اسرائیل پاسخ این مساله را داد: «برای ما مهم نیست، این بر نگرش اسرائیل [نسبت به حکومت ایران] تاثیری نخواهد گذاشت.» از سوی دیگر یائیر لاپید، رهبر اپوزیسیون رژیم گفته بود پس از این اتفاق ایران وارد یک دوره بی‌ثباتی خواهد شد. علی باقری در همان روزهای ابتدایی راهبری وزارت خارجه، نشان داد حق با لیبرمن است و نه‌تنها سیاست خارجی ایران تغییری نمی‌کند بلکه سفرهای منطقه‌ای و پی‌درپی امیرعبداللهیان ادامه دارد. او در طول سرپرستی وزارت امور خارجه طی سفرهای منطقه‌ای خود بر حمایت ایران از محور مقاومت و اعلام انزجار از رژیم صهیونیستی تاکید کرد.

رفتاری در حد یک وزیر

یکی از اصول مهم سیاست خارجی ایران توجه به محور مقاومت بوده و هست. این موضوع به‌ویژه در یک‌سال اخیر و از زمان آغاز عملیات طوفان‌الاقصی با چالش‌هایی مواجه شد که حسین امیرعبداللهیان و تیم دیپلماتیک او توانستند با آنها به خوبی تعامل کنند. این روند در دوره سرپرستی علی باقری در وزارت امور خارجه هم ادامه پیدا کرد. به این صورت که دو هفته پس از انتصابش، در روز دوشنبه چهاردهم خردادماه به لبنان و روز بعد به سوریه سفر کرد. او طی این سفر دیپلماتیک با مقامات سوری و لبنانی و همچنین سران گروه‌های مقاومت و فلسطین دیدار و گفت‌وگو کرد.

باقری در نشست خبری خود با وزیر خارجه لبنان با اشاره به رایزنی‌های صورت گرفته در این دیدار اعلام کرد روابط متین و مستحکم دو کشور ایران و لبنان شاخص محوری برای منطقه است، همان‌طور که مقاومت اسلامی در لبنان لنگرگاه ثبات و آرامش در منطقه است. او همچنین در دیدار با هیاتی از گروه‌های مقاومت فلسطین که «زیاد النخاله» دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین هم در آن حضور داشت تاکید کرد مساله فلسطین، اولویت ایران است. سه روز بعد در روز جمعه ۱۸ خردادماه، سرپرست دستگاه دیپلماسی برای شرکت در نشست فوق‌العاده گروه دی هشت درخصوص جنایات رژیم صهیونیستی در غزه عازم ترکیه شد. او طی یادداشتی در روزنامه ملیت ترکیه ضمن تاکید بر اینکه ایران در هشت ماه گذشته بلندترین صدا علیه جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین را داشته، نوشت: «توقف حملات رژیم صهیونیستی به غیرنظامیان با اعمال فشار دیپلماتیک، سیاسی، اقتصادی و حقوقی، ارسال فوری کمک‌های بشردوستانه برای همه مردم غزه، گشایش گذرگاه‌های مرزی، ممانعت از کوچ اجباری، فراهم کردن شرایط بازگشت آوارگان، بازسازی غزه پس از خروج نیروهای اشغالگر و رسیدگی به نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط نیروهای اشغالگر جزء اولویت‌هاست.»

هواپیمای حامل هیات دیپلماتیک ایرانی روز گذشته (چهارشنبه) در فرودگاه جده به زمین نشست و علی باقری این‌بار در نشست فوق‌العاده کمیته اجرایی وزرای امور خارجه سازمان همکاری اسلامی در عربستان شرکت کرد. این نشست اضطراری با دستور کار «بررسی تداوم جنایات صهیونیست‌ها علیه مردم فلسطین» و ابعاد تجاوز رژیم صهیونیستی در به شهادت رساندن اسماعیل هنیه و نقض حریم حاکمیت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد. باقری در این نشست با تاکید بر اینکه کشورهای اسلامی از حق ذاتی و مشروع ایران در پاسخ قانونی و مقتضی به این تجاوز حمایت می‌کنند، گفت: «اقدام ایران نه‌تنها دفاع از حاکمیت و امنیت ملی خود، بلکه دفاع از ثبات و امنیت کل منطقه است.»

اولین حضور رسمی ایران در اجلاس بریکس

نشست وزیران امور خارجه کشورهای عضو بریکس از روز دوشنبه ۲۱ خرداد ماه، به مدت دو روز در شهر «نیژنی نووگراد» روسیه برگزار شد. علی باقری در رأس هیاتی در این نشست دو روزه شرکت کرد. ایران برای اولین بار در قالب یک عضو رسمی در این نشست شرکت می‌کرد و همین موضوع اهمیت شرکت در آن را دوچندان می‌کرد. باقری در این سفر با «سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه، «وانگ یی» وزیر امور خارجه چین، «نالدی پاندور» وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی، «فیصل بن فرحان» وزیر امور خارجه عربستان سعودی و «ایگور لویتین» دستیار ویژه پوتین دیدار و گفت‌وگو کرد. او همچنین در جریان حضور دو روزه در روسیه با «علی صبری» وزیر خارجه سریلانکا، «مورات نورتلئو» وزیر خارجه قزاقستان، «ماریس سانگیامپونگسا» وزیر امور خارجه تایلند و «ایوان خیل پینتو» وزیر امور خارجه ونزوئلا نیز دیدار و رایزنی کرد. این دیدار و گفت‌وگوها در جهت ایجاد پیوندی نزدیک با کشورهای منطقه بسیار موثر است و می‌توانند جایگاه استراتژیک کشور را مستحکم‌تر کنند.

باقری هیات اردنی را به تهران کشاند

از ویژگی‌های مهم علی باقری این بود که توانست اهداف دولت سیدابراهیم رئیسی در حوزه سیاست خارجی را با همان نیروهای دولت قبل پیگیری و به نتیجه برساند. زمانی که حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه بود، با مدیریت خودش تغییراتی در حوزه دیپلماسی داد و علی باقری بدون آنکه به بافتار و ساختار وزارت خارجه آسیب برساند یا در آن دستکاری کند، کارش را ادامه داد. یعنی توانست از همان سخت‌افزار برجام خروجی نرم‌افزاری کاملا متفاوتی مبتنی‌بر تامین منافع ملی را بگیرد. این دستاورد بزرگی بود که می‌شود گفت علی باقری توانست آن را محقق کند. از سوی دیگر علی‌رغم رخ‌دادن ماجرای سقوط هلی‌کوپتر، سرپرستی او بر وزارتخانه و انتقال قدرت به دولت جدید، او توانست در قامت یک وزیر خارجه و نه صرفا یک «نگه‌دارنده مسئولیت» منافع ملی ایران را تامین کند. مثلا در سفرهای سوریه، لبنان، ترکیه و روسیه برخوردی که با ایشان می‌شد -که به تبع رفتار و منشی بود که خودش بروز می‌داد- به مثابه دولت جمهوری اسلامی ایران و یک وزیر امور خارجه بود، نه یک سرپرست که صرفا حضور یافته تا کار را در دست بگیرد.

در رابطه با آماده‌شدن کشور برای خونخواهی اسماعیل هنیه و پاسخ به رژیم صهیونیستی، بنا به شنیده‌های «فرهیختگان» از یک منبع آگاه، درحالی‌که مقامات اردن تماس گرفته بودند و قصد داشتند تلفنی مساله خود را مطرح کنند، باقری به آنها می‌گوید در دیدار حضوری این کار را انجام دهند. این یعنی او «برخوردی دیپلماتیک منطبق با میدان» دارد که خروجی آن برای کشور، هم دستاوردی نرم و هم خروجی واقعی و سخت در میدان بوده است. می‌شود گفت علی باقری ترکیبی از «باور ایدئولوژیک میدانی» با «رفتار دیپلماتیک» بود که خروجی آن تامین منافع ملی ایران است.

«فرهیختگان» گزینه‌های احتمالی وزارت آموزش‌وپرورش را بررسی می‌کند

فرمان آموزش کشور به کدام سمت؟

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

قرار این بود که تا دیروز یعنی چهارشنبه ۱۷ مرداد، کابینه پیشنهادی دولت چهاردهم به مجلس تحویل داده شود اما آن‌گونه که ظریف اعلام کرد، تحویل اسامی کابینه پیشنهادی به شنبه موکول شد تا در این میان بازار گمانه‌زنی‌ها درباره اسامی وزرا تقویت شود. وزارت آموزش‌وپرورش ازجمله وزارتخانه‌های کلیدی است که عموما اغلب دولت‌ها به نقش مهم آن در پیشبرد اهداف و آرمان انقلاب اسلامی پی نبرده‌اند. به همین دلیل این وزارتخانه در اکثر دولت‌ها دستخوش تغییر می‌شود و در هر دوره ریاست‌جمهوری چندین وزیر تصدی‌گری وزارت آموزش‌وپرورش را به دست می‌گیرند. هرچند تلخ اما باید اعتراف کرد علی‌رغم تمام شعارها و تهیه برنامه‌های کلی برای کشور و سند تحول آموزش‌وپرورش، ولی وزارت آموزش‌وپرورش جزء کلان مسائل اساسی کشور به شمار نمی‌آید. طبق شنیده‌های «فرهیختگان» سه نام برای تصدی وزارت آموزش‌وپرورش مطرح است که هر سه نام نیز از چهره‌ها و نام‌های آشنا در این حوزه هستند اما باید دید درنهایت رای اعتماد به کدام‌یک از این اسامی تعلق می‌گیرد و اینکه بالاخره در آموزش‌وپرورش شاهد یک قدم رو به جلو در سیاست‌های اجرایی این وزارتخانه خواهیم بود یا نه! آن‌گونه که شنیده شده برای تصدی وزارت آموزش‌وپرورش اسامی محمود امانی، سیدجواد حسینی و سیدمحمد بطحایی مطرح شده‌اند. در یک بررسی کلی براساس اظهارنظرها، همچنین سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های فعالیت‌شان در آموزش‌وپرورش و تحلیل کارشناسان فعال در این حوزه می‌توان گفت انتظار بیشتری نسبت به انتخاب وزیر آموزش‌وپرورش وجود داشت؛ چراکه پزشکیان در مناظرات، به‌عنوان یک رئیس‌جمهور معتقد به عدالت آموزشی ظاهر شد و انتظارات را نسبت به انتخاب و معرفی وزیر آموزش‌وپرورش بالا برده بود.

بررسی رزومه گزینه‌های احتمالی وزارت آموزش‌وپرورش

اولین نام مطرح شده محمد امانی است. محمود امانی در سال ۹۹ دبیرکل شورای عالی آموزش‌وپرورش با حکم حسن روحانی شده بود. امانی همچنین مشاور معاون وزیر در امور علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی عضو کمیسیون دائمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و عضو شورای برنامه‌ریزی دانشگاه فرهنگیان بوده و مسئولیت‌های اجرایی مرتبط دیگری با حوزه آموزش‌وپرورش داشته است. امانی را می‌توان از چهره‌های نزدیک به حداد‌عادل دانست. او همچنین از موافقان خصوصی‌سازی آموزش است.

دومین نام سیدجواد حسینی است. او نیز در دولت دوازدهم سرپرست وزارت آموزش‌وپرورش بود و سوابق دیگری ازجمله مدیرکلی آموزش‌وپرورش استان خراسان رضوی و معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی و قائم‌مقامی استانداری خراسان رضوی را نیز در کارنامه‌اش به ثبت رسانده است. گفته می‌شود حسینی نماینده ایران در بیانیه اینچئون و امضای سند ۲۰۳۰ بود.

سومین نام مطرح شده در این میان سیدمحمد بطحایی، وزیر آموزش‌وپرورش دولت دوازدهم است. از سوابق او معاونت دبیرکل شورای عالی آموزش‌وپرورش، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت در دفتر ستادی و مسئول آموزش در سرپرستی مدارس خارج کشور را می‌توان نام برد. بطحایی پس از ماجرای رتبه‌بندی معلمان در دولت دوازدهم استعفا داد. او در دوره قبل انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز در لیست منوچهر متکی بود اما نتوانست رای بیاورد. از لحاظ شناسنامه اجرایی، اصلاح‌طلب به شمار می‌آید اما آنچه که تا به امروز از خود نشان داده، چهره‌ای معتدل در عالم سیاست و مدیریت اجرایی است.

تغییر وزرا تفاوتی به حال معلمان ندارد

کارشناسان حوزه آموزش‌وپرورش و معلمان معتقدند این سه چهره در سیاست‌های کلی و احتمالا در اجرا نیز تفاوت و نقطه تمایزی نسبت به دیگری ندارند. همه آنها تقریبا در یک سطح عملکرد قرار دارند. اما واقعیت ماجرای انتخاب وزیر برای توده معلمان این است که این قشر، سال‌هاست خودشان را از ساختار جدا کرده‌اند؛ چراکه گره آموزش‌وپرورش در جای دیگر و در مسائل دیگری است. براساس گفت‌وگوی «فرهیختگان» با معلمان و کارشناسان حوزه آموزش‌وپرورش، جدی‌ترین مساله آموزش‌وپرورش امروز عدالت آموزشی و سیاست تامین مالی مدارس و سیاست کلی در قبال خصوصی‌سازی آموزش‌وپرورش است. معلمان و کارشناسان حوزه آموزش‌وپرورش براین باورند که حسینی و بطحایی و حتی امانی نیز در سیاست‌های کلی در قبال خصوصی‌سازی و تامین مالی آموزش‌وپرورش تقریبا یک ایده کلی دارند.

هم‌راستا با عدالت آموزشی مدنظر رئیس‌جمهور

آنطورکه تعدادی از معلمان و کارشناسان حوزه آموزش‌وپرورش به «فرهیختگان» می‌گویند، ظاهرا در چندین مصاحبه، حسینی مدافع خصوصی‌سازی بود و مواضع او رویکردی متمایز با عدالت آموزشی داشت. این‌طور به نظر می‌رسد امانی در دوره‌ای از فعالیتش به دنبال این ایده بود که آموزش زبان خارجی در مدارس خصوصی شود. یعنی به جای افزایش کیفیت آموزش زبان در مدارس، به دنبال این بود که زبان انگلیسی خصوصی تدریس شود. شاید در یک نگاه کلی این ایده شاید یک ایده مقبول به نظر برسد. اما پشت چنین ایده‌هایی، سیاست خصوصی‌سازی آموزش وجود دارد؛ چراکه همین ایده باعث می‌شود افرادی که به مراکز خصوصی دسترسی ندارند، از آموزش زبان انگلیسی بی‌بهره بمانند. برکم معتقد است همین امر نیز قابلیت این را داشت که به بازار سپرده شود و در این بین هم موسسات خوب و بد شکل بگیرد. البته در پیشینه و سوابق دیگر گزینه‌ها نیز فعالیت‌هایی مخالف با عدالت آموزشی هست و ماجرا تنها به امانی ختم نمی‌شود. کارشناسان حوزه آموزش‌وپرورش می‌گویند بطحایی نیز در دوره‌ای که وزیر بود با طرح خرید خدمات و فعالیت مدارس غیرانتفاعی نشان داد که تفکراتی متفاوت با عدالت آموزشی دارد.

معلمان و کارشناسان حوزه آموزش‌وپرورش بر این باورند اگر یکی از این سه گزینه قرار است تایید شود، باید مواضع راسخی نسبت به گسترش عدالت آموزشی داشته باشد. درواقع اساس وعده‌های رئیس‌جمهور منتخب، گسترش عدالت آموزشی است. بنابراین هر یک از سه چهره مطرح شده جهت تصدی وزارت آموزش‌وپرورش، برای گرفتن رای اعتماد نمایندگان مردم باید با مواضع رئیس‌جمهور در مساله آموزش‌وپرورش همراه شوند و عزم راسخ‌شان در اجرای عدالت آموزشی مدنظر رئیس‌جمهور را نشان دهند. اما در این میان این پرسش مطرح است که جامعه معلمی کشور به کدام‌یک از سه گزینه اقبال بیشتری دارند؟ معلمان و البته کارشناسان فعال در این حوزه معتقدند که احتمال نمی‌دهند با هیچ‌یک از این سه چهره تغییر و تحول خاصی در وضعیت معیشت، رفاه و جایگاه اجتماعی رخ دهد. اگرچه هر سه گزینه، نام‌شان برای جامعه معلمی کشور آشناست و در طول سال‌های فعالیت‌شان نیز تلاش‌هایی برای تغییر داشتند اما چرخه به وجود آمده و وضعیت امروز نیروی انسانی آموزش‌وپرورش ماحصل سال‌های اخیر نبوده و نیست و بعید است در عرض چند سال پیش‌رو تغییری رخ دهد.

امید به تغییر و تحول برای فرزندان ایران

همچنین معلمان و فعالان حوزه آموزش‌وپرورش به این مساله اشاره می‌کنند که وزیر آموزش‌وپرورش در عین حال که یک مدیر اجرایی است باید صاحب اندیشه و سیاستگذاری باشد. باید بتواند به خوبی نقش سیاستگذارانه خود را ایفا کند و ایده‌هایی داشته باشد که بتواند به یک نظام کیفی و عادلانه آموزش‌وپرورش کمک کند. یعنی مفهوم ایده‌های اشتباه خصوصا در حوزه اقتصاد آموزشی نباشد. همچنین در مساله عدالت آموزشی نیز ایده‌های نابسامان دیگر را ادامه ندهد و بتواند استقلال آموزش‌وپرورش را به رسمیت بشناسد. به جای اینکه سهم‌خواهی گروه‌های مختلف را دنبال کند، آموزش‌وپرورش را به‌عنوان یک نهاد تخصصی معرفی کند. درمجموع و برآیند گفت‌وگوهای انجام شده با طیف‌های مختلف معلمان و فعالان حوزه آموزش‌وپرورش، به نظر می‌رسد آنچه که امروز به پاشنه‌آشیل آموزش‌وپرورش تبدیل شده، خصوصی‌سازی آموزش در کشور است. یکی از چالش‌های جدی امروز مردم در رابطه با وزارت آموزش‌وپرورش این است که برای داشتن تحصیل باکیفیت باید پول بیشتر بپردازند و تمام اقشار جامعه به‌طور عادلانه از یک نوع حق تحصیل برخوردار نیستند. به نظر می‌رسد از اصلی‌ترین انتظارات مردم و معلمان این است که هر یک از سه نام مطرح شده پس از رسیدن به وزارت می‌بایست آغازگر یک تحول جدی درخصوص تنوع امروز مدارس کشور و پولی شدن تحصیل باشد.

پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۲۰۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE